**فصل هفتم**

در ميزان مهريّه کابين

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"لا يحقّق الصّهار**[[1]](#footnote-1)** الّا بالأمهار**[[2]](#footnote-2)** قد قدّر للمدن تسعة عشر مثقالا من الذّهب الأبريز و للقری من الفضّة و من اراد الزّيادة حرّم عليه ان يتجاوز عن خمسة و تسعين مثقالا کذلک کان الأمر بالعزّ مسطورا." ( بند ۶۶)

و در لوح مرحوم حاجی واعظ**[[3]](#footnote-3)** قزوينی از قلم مرکز پيمان جلّ ثنائه نازل شده قوله العزيز:

"از مهريّه سؤال نموده بودی، اين از احکام حضرت اعلی است بکتاب اقدس تجديد شده است. و آن اين است که اهل مدن بايد طلا بدهند و اهل قری فضّه و اين بسته باقتدار زوج است. اگر فقير است يکواحد ميدهد و اگر اندک سرمايه دارد دو واحد ميدهد، اگر با سر و سامانست سه واحد ميدهد، اگر از اهل غنا است چهار واحد ميدهد و اگر در نهايت ثروت است پنج واحد ميدهد. فی‏الحقيقه بسته باتّفاق ميان زوج و زوجه و ابوين است، هر نوع در ميان اتّفاق حاصل شود مجری گردد ...."

در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - در مهر اهل قری که فضّه تعيين شده باعتبار زوج است يا زوجه يا هر دو و در صورت

اختلاف که يکی شهری و ديگری از قری باشد چه بايد کرد؟

جواب - مهر باعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قری است فضّه."

٢ - در مهريّه ساکنين قصبات حضرت وليّ ‏امراللّه جلّ سلطانه ميفرمايند قوله الأحلی:

"آنچه در خصوص مهريّه برای اهالی قصبات معروض داشته و کسب تکليف نموده بودند در محضر مبارک معلوم شد فرمودند بنويس تعيين قطعی موقف اهالی قصبات در اقليم ايران از وظايف مخصوصه محفل ملّی بهائيان ايرانست." مطابق امر مبارک محفل مقدّس ملّی ايران در تاريخ بهمن ماه ١٣١۴ چنين تصميم گرفت که اهالی قصبات در حکم ساکنين قری بايستی محسوب شوند و در ادای مهريّه چون اهالی دهات رفتار نمايند (نقل از مراسله محفل مقدّس ملّی ايران نمره ۶٧۵ مورّخه ۶/١٣/٩۴ = ١٨/٨/١٣١٦ که در جواب سؤال نگارنده اين رساله مرقوم و ارسال فرموده‌اند.)

در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - ميزان شهری و دهاتی بچه حدّ است هر گاه شهری هجرت بده نمايد و يا دهاتی هجرت بشهر کند و قصد توطّن نمايد حکمش چگونه است و کذلک محلّ تولّد ميزانست يا نه؟

جواب - ميزان توطّن است هر جا وطن نمايد مطابق حکم کتاب رفتار شود."

۴ - شهری و دهاتی ميتوانند بدرجه اولی که نوزده مثقال نقره است در مهريّه اکتفا کنند. در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و الّذی اقتنع بالدّرجة الأولی خير له فی الکتاب انّه يغنی من يشآء باسباب السّموات و الأرض و کان اللّه علی کلّشیء قديرا." ( بند ۶۶)

و در رساله سؤال و جواب مذکور است:

"سؤال - از مهر

جواب - در مهر اقتناع بدرجه اولی، مقصود از آن نوزده مثقال نقره است."

و در لوح زين المقرّبين ميفرمايند قوله جلّت عظمته:

"آنچه در بيان نازل شده در اهل مدن و قری همان مجری و ممضی است، ولکن در کتاب اقدس ذکر درجه اولی شده و مقصود از درجه اولی نوزده مثقال فضّه است که در باره اهل قری در بيان نازل شده و اين احبّ است عند اللّه در صورتيکه طرفين قبول نمايند چه که مقصود رفاهيّت کلّ و وصلت و اتّحاد ناس است. لذا هر چه در اين امورات مدارا شود احسن است. انشاء اللّه بايد اهل بهاء با کمال محبّت و صفا با يکديگر معامله و معاشرت نمايند."

و در توقيع جناب آقا ميرزا اسداللّه فاضل**[[4]](#footnote-4)** مازندرانی از يراعه مبارک مولای توانای مهربان نازل قوله الأحلی:

"راجع بمهر ذهب در مدن فرمودند در کتاب اقدس ميفرمايند قناعت بدرجه اولی يعنی نوزده مثقال نقره احسن و اولی لذا محدود نمودن مهر بذهب در مدن جائز نه."

(متّحد المآل محفل مقدّس روحانی ملّی ايران نمره ١٢٨ مورّخه ١/۵/٩٧= ١۵/٣/ ۱۳۱۹)

1. صهار: دامادی [↑](#footnote-ref-1)
2. امهار: کابين‌ها [↑](#footnote-ref-2)
3. حاج واعظ قزوينی موسوم بشيخ محمّد ابراهيم از دوران صباوت بر اثر آبله جهان بينش تاريک شد و با همان حال محفوظات بسيار تحصيل نمود و در لاهيجان بتصديق امر فائز و بواسطه معاندت اعدا مجبور بمهاجرت بقزوين شده، سفرهای تبليغی در ايران فرمود. الواح بسيار دارد. قريب صد سال از عمرش ميگذشت که در يوم دوشنبه ٢۶ شهريور ١٣١٨- ١١ شهر العزّة ٩۶ در قزوين صعود فرمود و در گلستان جاويد مدفون گرديد. رحمة اللّه عليه [↑](#footnote-ref-3)
4. جناب فاضل مازندرانی موسوم بميرزا اسداللّه ابن ميرزا محمود بن آقا رسول اصفهانی ساکن بابل ( بارفروش ) از ناشرين نفحات اللّه بود و پس از تصديق امر بخدمت شريعت اللّه پرداخت و سفرهای تبليغی بسيار بخارج و داخل ايران فرمود و در سنّ متجاوز از هفتاد در روز پنجم ديماه سال ١٣٣۶ هجری شمسی مطابق ٢۶ دسامبر ١٩۵٧ ميلادی در خرمّشهر بملکوت ابهی صعود فرمود و جسدش را با هواپيما باهواز برده دفن کردند. الواح متعدّده بافتخارش نازلشده و از آثارش که منتشر شده جلد سوّم ظهور الحقّ و قسمت اوّل مجموعه امر و خلق است. عليه رضوان اللّه (١) بکتاب بيان مبارک باب سابع از واحد سادس مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-4)